

رم چشم‌انداز را تعیین می‌کند - شماره هفدهم

غربال نهایی ۱۴۴,۰۰۰ نفر: آزمون نبوی تصویر وحش

Jeff Pippenger

2024-09-24

آنان که فراخوانده شده‌اند تا در شمار صد و چهل و چهار هزار باشند، اکنون در فرایند غربال نهایی‌اند و این فرایند، فرایندی آزمایشی است که بر پایه شکل‌گیری تمثال وحش بنا شده است. فرایند آزمون از خانه خدا آغاز می‌شود، زیرا داوری همواره از خانه خدا آغاز می‌شود، و پس از آن، رمة دیگر خدا با همان فرایند آزمون روبه‌رو می‌گردد. شاید مهم‌ترین و معنادارترین ویژگی نبوی در شکل‌گیری تمثال وحش این باشد که این امر دو بار رخ می‌دهد: نخست در ایالات متحده آمریکا، سپس در دیگر نقاط جهان. از نظر نبوی، این بدان معناست که تمثال وحش در جهان، نمود نهایی تمثال وحش است؛ و بنابراین هر نمونه‌ای از تمثال وحش که پیش از تمثال وحش در جهان پدید آمده بود، صرفاً سایه‌ای بود از اصل.

داوری در خانه خدا در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد. آن تاریخ در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ نمونه‌ای پیشین داشت، زمانی که فرشته مکاشفه باب دهم با کتابچه‌ای کوچک گشوده در دستش فرود آمد. هنگامی که فرشته باب دهم فرود آمد، اعلام کرد که داوری پروتستانیسم در آن زمان در جریان است. خدا هر که را داوری می‌کند، نخست از پیش هشدار می‌دهد، و تأیید روش میلر در تعیین زمان، اعتبار بیشتری به محاسبات او درباره داوری مربوط به ظهور دوم بخشید. آزمون پروتستان‌ها از ۱۱ اوت ۱۸۴۰ در جریان بود و تا ۱۸۴۴ پروتستان‌ها به دختران رم تبدیل شده بودند. دوره ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ نمونه‌ای از دوره ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا قانون یکشنبه‌ای است که به زودی خواهد آمد.

آن دو دوره همچنین در فاصله‌ی میان تعمید عیسی—وقتی روح‌القدس نازل شد—تا صلیب بازنمایی شده بودند. آن سه دوره، همگی نمونه‌شان همان صد و بیست سالی بود که به جهان پیشاتوفان اختصاص داده شده بود و تا فرارسیدن طوفان ادامه داشت. همواره پیامی هشداردهنده وجود دارد که داوری آن تاریخ خاص را مشخص می‌کند. تاریخ‌های مقدسی نیز وجود دارد که به این دوره‌ی خاص در ایام آخر می‌پردازند.

نوح به مدت صد و بیست سال موعظه کرد، سپس داوری طوفان فرا رسید. مسیح به مدت هزار و دویست و شصت روز موعظه کرد، سپس داوری صلیب فرا رسید. پیام هشداردهنده یحیی تعمیددهنده در تعمید مسیح اقتدار یافت و سپس عیسی برای چهل روز به بیابان هدایت شد. آن چهل روز و سه آزمون پس از آن در پایان آن چهل روز نشان می‌دهند که هرگاه پیام توانمند می‌شود، که این امر با فرود آمدن نمادی مقدس، مانند روح‌القدس در هنگام تعمید او، و نیز فرود آمدن هر دو فرشته‌ای که در باب‌های ده و هجده مکاشفه آمده‌اند شناخته می‌شود، فرایند آزمون در جریان است. هنگامی که نماد الهی فرود می‌آید، پیام داوری که به کسانی که در آن هنگام موضوع داوری هستند اعلام می‌شود اقتدار می‌یابد و گروه خاصی که مورد داوری است آنگاه در دوره‌ای معین قرار می‌گیرد که تنها با پایان مهلت آزمونشان خاتمه می‌یابد.

خط زمانی عیسی دو دوره شهادت را مشخص می‌کند. نخست، شهادت شخصی او به مدت هزار و دویست و شصت روز بود، سپس شهادت او در حضور شاگردانش به مدت هزار و دویست و شصت روز دیگر ادامه یافت تا زمانی که استفانوس سنگسار شد.

سپس فرشته گفت: «او برای یک هفته [هفت سال] عهد را با بسیاری استوار خواهد کرد.» برای هفت سال پس از آنکه نجات‌دهنده خدمت خود را آغاز کرد، قرار بود انجیل به‌طور ویژه برای یهودیان موعظه شود؛ سه سال و نیم توسط خود مسیح؛ و پس از آن به‌وسیله رسولان. «در میانه هفته، او قربانی و هدیه را متوقف خواهد کرد.» دانیال ۹:۲۷. در بهار سال ۳۱ میلادی، مسیح، قربانی حقیقی، بر جلجتا تقدیم شد. آنگاه پرده هیکل از میان دو نیم شد و نشان داد که قداست و اهمیت آیین قربانی از میان رفته بود. زمان آن فرارسیده بود که قربانی و هدیه زمینی متوقف شود.

آن یک هفته—هفت سال—در سال ۳۴ میلادی به پایان رسید. سپس با سنگسار استفان، یهودیان نهایتاً رد خود نسبت به انجیل را قطعی کردند؛ و شاگردانی که به سبب آزار و اذیت پراکنده شده بودند، «هر جا که می‌رفتند کلام را موعظه می‌کردند» (اعمال رسولان ۸:۴)؛ و اندکی بعد، شائلو آزارگر ایمان آورد و پولس، رسول امت‌ها، شد. *The Desire of Ages*, 233.

خط نوح، مسیح، پیروان میلر و صد و چهل و چهار هزار، همگی بر دوره‌ای از زمان گواهی می‌دهند که در آن یک گروه هدف مشخص به‌وسیله پیامی هشداردهنده مورد آزمون قرار می‌گیرد. قوت گرفتن پیام، آغاز یک دوره آزمون را مشخص می‌کند که خود با پایان مهلت آن گروه هدف خاتمه می‌یابد. در خط نبوتی عیسی، دو دوره شهادت شناسایی می‌شوند. آن دو دوره شهادت، دو پیام هشدار را تمثیل می‌کنند: نخست، فرشته‌ای که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرود آمد و مکاشفه ۱:۱۸-۳ را تحقق بخشید؛ و سپس صدای دوم آیه چهارم و پس از آن از باب هجده که در پی آن آمد.

پس در آخرین کار برای هشدار به جهان، دو دعوت متمایز به کلیساها داده می‌شود. پیام فرشته دوم این است: «بابل سقوط کرده است، سقوط کرده است، آن شهر عظیم، زیرا همه ملت‌ها را از شراب خشم زناکاری اش نوشاند.» و در فریاد بلند پیام فرشته سوم، صدایی از آسمان شنیده می‌شود که می‌گوید: «ای قوم من، از او بیرون آید.» ریویو و هرالده، ۶ دسامبر ۱۸۹۲.

دوره نخست، داوری‌ای است که از خانه خدا آغاز می‌شود، و سپس با فرا رسیدن قریب‌الوقوع قانون یکشنبه، دوره دوم داوری با هشدار بیرون آمدن از بابل شروع می‌شود. خط زمانی مسیح از تعמידش تا صلیب، نمایانگر دوره‌ای از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا قانون یکشنبه در ایالات متحده است، و دوره‌ای که از قانون یکشنبه در ایالات متحده آغاز می‌شود و تا زمانی ادامه می‌یابد که هر ملت وادار شود یکشنبه را به‌عنوان روز جهانی عبادت بپذیرد، زمانی پایان می‌یابد که آخرین ملت تسلیم شود.

این دوره با قانون یکشنبه در ایالات متحده آغاز می‌شود و زمانی پایان می‌یابد که آخرین ملت در برابر قدرت پاپی سر فرود آورد. آغاز دوره دوم پایان دوره نخست را نشان می‌دهد و هر دو دارای قوانین یکشنبه‌ای هستند که پیش‌تر در گواهی روم به‌عنوان نمونه نشان داده شده‌اند. نخستین قانون یکشنبه در سال ۳۲۱، به‌واسطه اقتدار روم بت‌پرست برقرار شد. قانون یکشنبه‌ای که به‌واسطه اقتدار کلیسای پاپی برقرار شد، با سال ۵۳۸ نشان داده می‌شود. قانون یکشنبه در ایالات متحده ۳۲۱ است، و قانون یکشنبه‌ای که بر آخرین ملت اعمال می‌شود ۵۳۸ است. قانون یکشنبه در ایالات متحده نشانگر فرارسیدن پیام هشدار است که سپس توسط علمی که از رانده‌شدگان اسرائیل تشکیل شده بود اعلام می‌شود.

آن نشانه راه سال ۳۲۱ است و آغاز دوره آزمون همه ملت‌ها در مسئله یکشنبه را نشان می‌دهد. آن دوره هنگامی پایان می‌یابد که آخرین ملت در برابر روم تسلیم شود، و آن واقعه با نشانه راه سال ۵۳۸ نمونه‌وار شده است. دوره ۳۲۱ تا ۵۳۸ با دوره از صلیب تا سنگسار استفانوس نمونه‌وار شده است. هنگامی که استفانوس سنگسار می‌شد، مسیح را دید که در قدس آسمانی ایستاده است؛ و این، نماد زمانی است که میکائیل در پایان مهلت بشر برمی‌خیزد.

یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ نشانگر فرارسیدن هشدار سه آیه نخست باب هجده است، و این امر با پیشگویی پیشگو الن وایت نیز مشخص شد؛ او گفته بود که هرگاه ساختمان‌های عظیم شهر نیویورک با یک لمس از سوی خدا فرو ریخته شوند، همان سه آیه تحقق خواهد یافت. همچنین این روز با قانون پاتریوت مشخص شد، که برای کسانی که می‌خواستند ببینند نشانه‌ای بود؛ اینکه اصل حقوقی انگلیسی که بر این است که انسان بی‌گناه است مگر آن‌که مجرم بودنش ثابت شود، کنار گذاشته شد و جای خود را به حقوق رومی داد، که بر این است که انسان مجرم است مگر آن‌که بی‌گناهی‌اش ثابت شود.

قانون پاتریوت آغاز دآوری برای ادونتیسیم روز هفتم لاودکیه‌ای را رقم زد. آن دوره با قانون یکشنبه در ایالات متحده به پایان می‌رسد. آن ادونتیسیم‌های روز هفتم لاودکیه‌ای که با موفقیت از آن دوره غربال عبور می‌کنند، سپس پیام هشدار آیه چهارم باب هجدهم را اعلام خواهند کرد؛ پیامی که با آخرین کشوری که در برابر رم سر تسلیم فرود می‌آورد پایان می‌یابد. آن دوره با قانون یکشنبه در ایالات متحده آغاز می‌شود و با قانون نهایی یکشنبه پایان می‌یابد.

اگر حقیقت اینک برای آن وحش دو تمثال وجود دارد که بر اساس شهادت بیش از دو شاهد شناسایی می‌شوند را نادرست بفهمیم، آنگاه کار به تصویر کشیده‌شده در سه آیه نخست باب هجدهم مکاشفه که در سال ۲۰۰۱ آغاز شد، و نیز کاری را که در آیه چهارم باب هجدهم آغاز می‌شود، نادرست درخواهیم یافت.

وقتی از شناسایی مستقیم خواهر وایت از نزول فرشته باب هجدهم مکاشفه در سال ۱۸۸۸، و از بیان او درباره همان فرشته در قالب آینده بهره می‌گیریم، درمی‌یابیم که ۱۸۸۸ نماد ۲۰۰۱ است. فرشته مکاشفه که زمین را با جلال خود روشن می‌کند، در جلسات مینی‌پولیس در سال ۱۸۸۸ نازل شد، و بار دیگر هنگامی که ساختمان‌های بزرگ شهر نیویورک فروریختند، نازل شد.

دوره از تعمید مسیح تا صلیب، و دوره از ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، و دوره صد و بیست‌ساله نوح، سه شاهد بر یک دوره دآوری ارائه می‌دهند. سال ۱۸۸۸ شاهی بر بروز شورش است که در جلسات مینی‌پولیس ثبت شد، و نوح نشان می‌دهد که روح‌القدس از کسانی که پیام را رد کردند برداشته شد. شورش مردمان پیش از طوفان و نیز شورش رهبران کلیسا در ۱۸۸۸ هر دو با تاریخ قورح، داتان و ابیرام در دوران موسی همسو هستند؛ فرشته به خواهر وایت گفت که این تاریخ در مینی‌پولیس در حال تکرار بود.

دوره میان قانون میهن‌پرستی تا قانون یکشنبه در ایالات متحده، دوره آزمون ادونتیسیم روز هفتم لاودکیه‌ای است. شورش در برابر پیام هشداردهنده‌ای که دآوری ایشان را اعلام می‌کند، دال بر برداشته‌شدن روح‌القدس است و در نتیجه، ریخته‌شدن گمراهی شدید بر باکره‌های نادان شریب آن دوره. تمرکز شورش، پیام‌آور برگزیده است؛ چنان‌که در نوح، موسی، کشیشان جونز و واگنر، و البته خواهر وایت، نمایان است. این شورش علیه پیام هشدار و پیام‌آور آن دوره بر «روغن» در ماجرای مثل ده باکره مبتنی است.

کسانی که پیام هشدار را عرضه می‌کنند، چنین می‌کنند زیرا «روغن» دارند؛ همان «روغن» که خود پیام هشدار است. از این رو، تمایز میان دو گروه از به‌کار بستن درست قواعد تفسیر نبوات پدید می‌آید؛ قواعدی که از سوی پیروان جنبش فرشته اول و دوم پذیرفته شدند و به‌عنوان «قواعد تفسیر میلر» معرفی شده‌اند، و نیز قواعد تفسیر نبوات که از سوی جنبش فرشته سوم پذیرفته شدند.

آزمونی که به‌عنوان «شکل‌گیری تصویر وحش» معرفی شده است، بنابراین باید آزمونی باشد مرتبط با این‌که تصویر وحش چگونه در کلام نبوی خدا شکل می‌گیرد.

از قانون میهن‌دوستی در سال ۲۰۰۱، که پیش‌تر در ۱۸۸۸ با لایحه بلر نمادپردازی شده بود، که آن نیز در ۱۷۷۶ با اعلامیه استقلال نمادپردازی شده بود، که آن هم با تعمیم مسیح نمادپردازی شده بود، و تعمیم مسیح نیز ۱۱ اوت ۱۸۴۰ را نمادپردازی می‌کرد، همه این‌ها مؤید این حقیقت‌اند که فرایند آزمون دآوری با پیامی هشداردهنده و مقتدر آغاز می‌شود که باید از دست فرشته گرفته و سپس خورده شود.

آموزه نبوی که ایالات متحده را غارتگران قوم تو معرفی می‌کند، با منطق خود چندین نکته را مغشوش می‌سازد، و آن نکات غالباً مستقیم‌ترین متون استنادی برای اثبات عناصر شکل‌گیری تصویر وحش‌اند. یکی از راه‌های نشان دادن این واقعیت که این آزمون ماهیتی نبوی دارد، به کارگیری قواعد بنیادین نبوت است تا حقیقتی را نشان دهیم که فقط زمانی درک می‌شود که روم را به‌عنوان نماد نمایانده‌شده در «غارتگران قوم تو» بپذیرید.

این تصویر از پنج خط تاریخ درون ادونتیسیم گرفته شده است، جایی که مناقشه‌ای بر سر «روم» به‌عنوان یک نماد رخ داد. اکنون ما در آخرین، یا ششمین این تاریخ‌های مناقشه‌برانگیز قرار داریم، و مناقشه کنونی عیناً همان مناقشه‌ای است که بر روی نمودار ۱۸۴۳ به تصویر کشیده شده است.

اگر قواعد نبوتی را به‌درستی به کار ببرید، دیدن این حقیقت آسان است. یکی از قواعد نبوتی که باید به کار برد این است که نمادها بیش از یک معنا دارند و معنایی که در یک بخش به کار می‌رود باید توسط همان بخش تعیین شود. پادشاه سوریه، آنتیوخوس سوم بزرگ، نبرد آیه دهم باب یازدهم دانیال را تحقق بخشید، و او نبرد رافیا را در آیات یازدهم و دوازدهم تحقق بخشید، و او نبرد پانیوم را در آیه پانزدهم تحقق بخشید. جدل میلریتی که بر نمودار ۱۸۴۳ بازنمایی شده بود این بود که دیدگاه پروتستانی باطل «دزدان» را آنتیوخوس اپیفانس معرفی می‌کرد، در حالی که در عین حال، حقیقت اینکه «دزدان» نماد روم بودند نیز تأیید می‌شد.

آیات ده تا پانزده نخست در تاریخ آنتیوخوس سوم بزرگ به تحقق پیوستند؛ بنابراین آن آیات و تحقق تاریخی دوباره آن‌ها، دو شاهد بر تحقق آن آیات در ایام آخر فراهم می‌آورند، زیرا همه پیامبران درباره ایام آخر مستقیم‌تر سخن گفتند تا درباره روزگاری که خود در آن می‌زیستند.

علاوه بر آن قاعده تثبیت‌شده درباره اینکه شهادت یک پیامبر را کجا باید به کار بست، همچنین خواهر وایت به‌طور مستقیم نوشته است: «بخش عمده‌ای از تاریخی که در تحقق این نبوت [دانیال باب یازدهم] رخ داده است، تکرار خواهد شد.» آنتیوخوس سوم کبیر نماد ایالات متحده به‌عنوان ارتش نیابتی روم پاپی است. پروتستان‌ها استدلال می‌کردند که راهزنان نماد آنتیوخوس دیگری بوده‌اند، حال آن‌که میلریتی‌ها می‌دانستند که منظور روم است. اکنون یک طرف ایالات متحده را به‌عنوان راهزنان می‌شناسد و طرف دیگر به حقیقت بنیادین پایبند است.

اگر این قاعده را بپذیریم که نمادها می‌توانند بیش از یک معنا داشته باشند و معنا باید بر اساس سیاقی که در آن به کار می‌روند تعیین شود، در این صورت دانستن ایالات متحده به‌عنوان «دزدان» با تعبیر پروتستان‌ها از آنتیوخوس به‌عنوان «دزدان» هم‌راستا است؛ اما اکنون آنتیوخوس نمادی از ایالات متحده در ایام آخر است.

زمینه این فراز مستقیماً به این پرسش می‌پردازد که کدام قدرت خود را برمی‌افرازد تا رؤیا را تحقق بخشد؛ بنابراین تأکید بر این واقعیت موجه است. این امر بر پایه شواهد فراوان موجه است، زیرا دیگر سیرهای تاریخی مناقشه درباره رم به‌عنوان نماد، همان واقعیت را تأیید می‌کنند. آن واقعیت این است که کسانی که در سوی نادرست این مسئله قرار دارند، همواره به‌جای رم ایالات متحده را مصداق می‌گیرند. اما اگر نپذیرید که نمادها بیش از یک معنا دارند، یا اگر هرچند چنین باوری دارید اما

آن قدر در به‌کارگیری این قاعده ورزیده نیستید که به آن به‌طور کامل اعتماد کنید، در آن صورت دنبال کردن منطقی که اکنون قرار است به کار بسته شود، عملاً برایتان ناممکن خواهد بود.

هر قدرت دوشاخ نماینده ایالات متحده در ایام آخر است. فرانسه قدرتی دوگانه است که سدوم و مصر نماینده آن‌اند. اسلام نیز نمایانگر ایالات متحده است، زیرا ایالات متحده در نسبت با قدرت پاپی، که همان ایزابل است، پیامبر دروغین است. ایالات متحده سالومه‌ای است در انقیاد هیرودیاس. بلعام نیز نماد یک پیامبر دروغین است، هرچند داستان او پیچیده‌تر از صرفاً پیامبر دروغین بودن است.

نبوت‌های بلعام که پس از آن که او سه بار اسرائیل را برکت داد ثبت شدند، به شیوه‌های گوناگونی با اسلام مرتبط‌اند. خر نماد اسلام است و نمی‌توان خر سخنگو را از داستان بلعام بیرون نگه داشت. خردمندان از شرق که برای پرستش نوزاد عیسی آمدند، به وسیله نبوت‌های بلعام هدایت شدند. اسلام، مربوط به سه «وای» باب نهم مکاشفه، نمایانگر پیامبر دروغین، محمد، است.

اگر دریابید که نمادها بیش از یک معنا دارند، بی‌تردید همچنین درخواهید یافت که بسیاری از حقایق آن قدر مهم‌اند که با نمادهای گوناگون نمایانده می‌شوند. نمادی که رویا را تثبیت می‌کند، نمادی از روم است و بنابراین آشکار است که روم در سراسر نبوت کتاب مقدس مضمونی اصلی خواهد بود. یکی از نمادهای کلاسیک و جاافتاده روم، پادشاه شمال در باب یازدهم دانیال است. پادشاه شمال که به پایان خود می‌رسد و هیچ‌کس او را یاری نمی‌کند، همان قدرت پاپی، کلیسای رومی، پاپ روم، مرد گناه است.

در مناقشه اُوریا اسمیت، ادعا می‌شد که پادشاه شمال در آیه سی‌وشش فرانسه است و پادشاه شمال در آیه چهل ترکیه. هر دو، فرانسه و ترکیه، در زمینه‌های متفاوت نماد ایالات متحده‌اند؛ اما همان‌گونه که در میان پروتستان‌ها بود و امروز نیز هست، اسمیت در این مناقشه حقیقت را که پادشاه شمال نماد روم مدرن است رد کرد و ادعا کرد که نماد روم به وسیله نماد ایالات متحده در کشور فرانسه نمایندگی می‌شود، و نیز این که نماد روم همان نماد ایالات متحده است که در کشور ترکیه نمایندگی می‌شود.

اکنون زمینه از سه محور تشکیل شده است: تاریخ جنبش میلریتی، تاریخ اورایا اسمیت و زمان حال. در هر یک از آن نمونه‌ها، مجادله‌ای بر سر نمادی از روم وجود دارد که به سبب این سوءبرداشت که روم نماد ایالات متحده است، به نادرستی به کار می‌رود.

روند مناقشه «روزانه» در کتاب دانیال همان تأکید بر استدلال علیه حقیقت مربوط به نماد روم را حفظ می‌کند، هرچند در این تاریخ ظرافت‌های مهمی وجود دارد.

منطق الگوی نبوتی اوریا اسمیت پیروانش را واداشت که بلای ششم را در باب شانزدهم کتاب مکاشفه به‌گونه‌ای نادرست تطبیق دهند. یکی از مشکلات اصلی در نحوه تطبیق باب شانزدهم از سوی اسمیت—افزون بر تلاش او برای تطبیق همه چیز به‌طور تحت‌اللفظی در دوره‌ای که همه چیز باید به‌گونه‌ای روحانی تطبیق شود—ناتوانی او در دیدن ساختار مشخص اتحاد سه‌گانه اژدها، وحش و نبی کاذب بود. با جایگزین کردن معنای حقیقی نمادها با معانی برخاسته از تفسیر شخصی، منطق اسمیت امکان تشخیص این که اتحاد سه‌گانه چگونه شکل می‌گیرد را از میان می‌برد، و چگونگی شکل‌گیری آن «آزمون بزرگ برای قوم خداست که نجات ابدی‌شان بر اساس آن تعیین خواهد شد.»

کاربرد نادرست نمادهای روم تلاشی از سوی شیطان است برای بازداشتن قوم آخرالزمانی خدا از دیدن نه تنها روم مدرن، بلکه چگونگی شکل‌گیری روم مدرن. ضرورت شناخت ویژگی‌های پیامبرانه مرتبط با به‌هم‌پیوستن سازمان ملل متحد، قدرت پاپی و ایالات متحده، پیامدهایی ابدی در پی دارد.

در کتاب دانیال آزمون ویژه‌ای هست که بر اهمیت شناخت روابط این سه قدرت تأکید می‌کند، و در کتاب مکاشفه نیز آزمون ویژه دیگری وجود دارد که بر همین نکات تأکید می‌کند. «دائمی» در کتاب دانیال از دید ویلیام میلر، هنگام مطالعه «دوم تسالونیکیان»، به منزله روم بت‌پرست فهمیده شد. میلر از توصیف رابطه نبوی میان روم بت‌پرست و روم پاپی در «دوم تسالونیکیان» دریافت که واژه «دائمی» نماد روم بت‌پرست است و بنابراین «رجاست ویرانگر» روم پاپی خواهد بود.

اما نکته‌ای که بر آن تأکید می‌کنیم این است که در رساله دوم به تسالونیکیان، رابطه میان روم بت‌پرست و روم پاپی در چارچوبی طرح می‌شود که تعلیم می‌دهد اگر رابطه آن دو قدرت را درنیابید، دچار گمراهی شدید می‌شوید و به هلاکت ابدی می‌افتید.

این همان هشدار مربوط به بلای ششم است؛ در آن نه تنها از اژدها—که در دوم تسالونیکیان، روم مشرک بود—و از وحش—که در آن بخش «مرد گناه» بود—سخن می‌رود، بلکه در باب شانزدهم از نبی کاذب نیز یاد می‌شود. این بخش بر اهمیت شناخت رابطه میان قدرت‌هایی تأکید می‌کند که اتحاد سه‌گانه روم مدرن را تشکیل می‌دهند؛ اتحادی که همان بابل مدرن نیز هست.

مناقشه درباره «روزانه» دقیقاً به همان مناقشه روز آخر می‌پردازد، اما با برجسته کردن اهمیت درک رابطه میان سه قدرتی که روم مدرن را تشکیل می‌دهند، دامنه شناسایی این مناقشه را گسترش می‌دهد. امتناع از دیدن این حقیقت، در حکم تضمین گرفتار شدن به گمراهی شدید به‌عنوان پاداش شماست.

در مناقشه کنونی، کسانی که ایالات متحده را غارتگران می‌دانند، ظاهراً حتی حاضر به فهم این نیستند که چرا مهم است که ایالات متحده بارها نه خود قدرت پاپی، بلکه تحت سلطه قدرت پاپی بازنمایی می‌شود. عقل سلیم اذعان دارد که قدرتی که در سیاست، تاریخ، ازدواج و نبوت کتاب مقدس رابطه را کنترل می‌کند، «سر» به شمار می‌آید؛ و همین سر است که خود را برمی‌افرازد تا رویا را برپا کند و سپس سقوط می‌کند.

استدلالی که ایالات متحده را به‌عنوان غارتگران شناسایی می‌کند، قادر نیست تاریخی را که از ۳۲۱ تا ۵۳۸ ارائه شد و سپس تحقق یافت، به کار گیرد. نماد ایالات متحده باید پیش از آن که «مرد گناه» آشکار شود، کنار برود. «مرد گناه» در روزهای آخر دوباره آشکار می‌شود، و پیش از آن، ایالات متحده باید نخست کنار برود.

قانون یکشنبه در ایالات متحده، ایالات متحده را به‌عنوان روم مدرن معرفی نمی‌کند، بلکه نشان می‌دهد که ویرانی ملی فرا رسیده و ایالات متحده به‌طور کامل از راستکاری گسسته شده است. آن روم مدرن که وقتی ایالات متحده هنگام اجرای قانون یکشنبه از مسیر حق منحرف می‌شود آشکار می‌شود، قدرت پاپی است که در همان زمان و همان‌جا هم‌پیمان خود، یعنی پیامبر دروغین، را به‌تازگی مغلوب کرده است.

«روزانه» در کتاب دانیال و رابطه آن با پیام ویلیام میلر، و اهمیت اینکه فهم میلر از نامه دوم به تسالونیکیان، باب دوم، برگرفته شده بود، و هشدار برای حفظ لباس‌هایتان در بلای ششم، همگی عناصری از آن مناقشاتی را که به مسائل روز می‌پردازند، مشخص می‌کنند.

هشدار دوم تسالونیکیان باب دوم در روزهای آخر درباره گروهی است که ایالات متحده را به‌عنوان نماد می‌شناسد، اما نمی‌پذیرد که به نوری که به رابطه ایالات متحده با روم پاپی می‌پردازد هدایت شود. با انجام این کار، آنان نه تنها رابطه میان روم پاپی و ایالات متحده، بلکه همچنین رابطه میان آن دو و سازمان ملل متحد — قدرت اژدها در مکاشفه باب شانزدهم — را خواهند دید.

چنان‌که دربارهٔ اوریا اسمیت، ای. جی. دانیلز و دبلیو. دبلیو. پرسکات - که خواهر وایت آنان را ناتوان از استدلال از علت به معلول معرفی کرد - چنین بود، کسانی که از رهنمود کلام نبوی خدا در تبیین رابطهٔ این سه قدرت در ایام آخر تبعیت نمی‌کنند نیز چنین‌اند.

همانند جنجال‌های نخستین، کنونی و مربوط به اوریا اسمیت، جنجال رابطهٔ سه قدرت، آن‌گونه که در رسالهٔ دوم تسالونیکیان و بلای ششم بازنمایی شده است، تعبیری شخصی را عرضه می‌کند که به ایالات متحده اشاره دارد، اما از دیدن ویژگی نبوی معینی در ایالات متحده که می‌تواند برداشت نادرستشان را برملا کند و شاید آنان را به سوی نور بیاورد، امتناع می‌ورزد.

پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱، جدل دربارهٔ چهار حشرهٔ یوئیل درگرفت. حقیقت این است که آن حشرات نمایانگر افول معنوی تدریجی کلیسای ادونتیست روز هفتم لاودیکیه‌ای بر اثر ورود الهیات کاتولیکی و پروتستان مرتد بودند. بار دیگر، تطبیق درست آن چهار حشره، روم است؛ اما تفسیر خصوصی مدعی بود که مقصود اسلام است، که نماد پیامبر دروغین است و بنابراین نماد ایالات متحده. خط بر خط، مجادلات تاریخ ادونتیست که همین‌اکنون به آنها پرداختیم، همگی به همان حقیقت اشاره دارند.

طرف نادرست، بر اساس چهار شاهد، راهزنان را ایالات متحده معرفی می‌کند، و بر اساس دو شاهد، برداشت طرف نادرست از ایالات متحده به‌عنوان نماد، نادرست است. نامزدهای خدا در آخرین روزها برای قرار گرفتن در شمار یکصد و چهل و چهار هزار نفر، اکنون در آزمونی نبوی قرار دارند. این آزمون با صرف رأی دادن به این طرف یا آن طرف سپری نمی‌شود. این آزمونی است که فقط در صورتی می‌توان آن را واقعاً به درستی پشت سر گذاشت که قواعد نبوی به درستی اعمال شوند. برای آن که شیر قبیلهٔ یهودا قوم آخرین روزهای خود را به این واقعیت بیدار کند که به اندازهٔ کافی عمیق مطالعه نمی‌کنند، اجازه داد بدعت‌ها راه یابند.

این واقعیت که بدعتی درون این حرکت پدید آمد نشان می‌دهد که توانایی شخصی ما در زمینهٔ قواعد تفسیر نبوی ضعیف‌تر از آنی است که باید باشد. روم، رؤیا را تثبیت می‌کند، و رؤیای ایام آخر برآمدن و سقوط نهایی «پادشاه شمال» است. آن «پادشاه» همچنین «مرد گناه» است، و «مرد گناه» همان «سر بی‌قانونی» و همان «شریر» است. او «ضد مسیح» است، او با نماد «غار تگران قوم تو» نشان داده شده است، و او «سر» روم مدرن است.

کسانی که در فهم کلام دچار سردرگمی می‌شوند و از درک معنای ضد مسیح بازمی‌مانند، بی‌گمان خود را در جانب ضد مسیح قرار خواهند داد. اکنون دیگر وقتی برای آن نیست که ما با دنیا هم‌رنگ شویم. دانیال در سهم خود و در جایگاه خود ایستاده است. نبوت‌های دانیال و یوحنا باید فهمیده شوند. آنها یکدیگر را تفسیر می‌کنند. آنها به جهان حقایقی می‌دهند که هر کس باید آنها را بفهمد. این نبوت‌ها باید در جهان شهادت دهند. با تحقق‌شان در این روزهای آخر، خود را تبیین خواهند کرد. مجموعه کرس، ۱۰۵.